



نگاهی متفاوت برای کاهش تلفات ناشی از زلزله

مهندس احمد شفاعت

۳۰ مهر ۱۳۹۱

تجرباتی که تا این زمان از وقوع زمین لرزه‌های مختلف در ایران بدست آمده حاکی از آن است که با وجود افزایش دانش زلزله شناسی و مهندسی زلزله در کشور، متأسفانه نه تنها از تلفات جانی چندان کاسته نشده، بلکه به ساختمانهای دولتی به ویژه بیمارستانها هنگام زمین لرزه آسیبهای جدی وارد شده بنحوی که در زمان مقابله با بحران قابل استفاده نبوده‌اند.

این موضوع آنقدر جدی است که حتی گزارشهای نظارتی از بازسازیهای انجام شده پس از زلزله‌های قبلی نیز حاکی از اشکالات فنی و مهندسی زیادی است.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که پارادایم حاکم بر مسئله زلزله که بطور عمده ناشی از نگاه صرف مهندسی است و همچنین داشتن انتظار بالاتر از ظرفیت دولتها که خود گرفتار مشکلات روزمره هستند، چندان کمکی به حل مسئله نکرده است، از اینرو شاید به بتوان با استفاده از تجارب جهانی وضعیت بهتری را بوجود آورد.

پاسخ به این سؤال که چرا در کشورهای با رویکرد اقتصاد آزاد (جوامع بسامان) در حوادث طبیعی (و نه مطابق آنچه در کشور ما حوادث غیر مترقبه می‌نامیدند و اخیراً بلایای طبیعی!) نظیر زلزله و با شدت، قدرت و بطور کلی مشخصات و شرایط یکسان، مردم آسیب کمتری می‌بینند و تلفات جهانی آنها در مقایسه با کشورهای با اقتصاد بسته دولتی و جهان سومی به مراتب کمتر است؟ شاید بتواند راهگشای ما نیز باشد. به این سؤال می‌توان پاسخهای ساده‌ای داد! مثلاً:

آنها وضع مالی بهتری دارند، لذا مردم از استانداردهای بالای زندگی و از جمله در بخش مسکن برخوردارند!

پاسخ دوم می‌تواند چنین باشد که ارزش انسان در این گونه جوامع بیشتر است، لذا مردم بیشتر

مواظب خود و دیگران هستند!

پاسخ سوم را چنین بیان می‌کنند که آنها بلند مدت می‌اندیشند و در نتیجه ساختماهای خود را مقاوم‌تر می‌سازند.

در ظاهر پاسخ‌هایی از این دست می‌تواند در عین سادگی صحیح باشد و هر کدام بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند، ولی اینکه پارادایم اصلی حاکم بر اینگونه کشورها چیست که نتیجه آن تولید ساختمان مناسب و با کیفیت است، هنوز بیان نشده است.

سؤال دومی که می‌توان در این زمینه مطرح کرد چنین است:

آیا صرفاً با تدوین بخش نامه، آیین‌نامه و اجباری کردن آنها و بدون توجه به شرایط و نظام اجتماعی، اقتصادی حاکم بر یک کشور و صرفاً از دیدگاه مهندسی می‌توان آسیب‌های وارده از حوادث طبیعی را در حد کشورهای پیشرفته کاهش داد؟

شاید بهترین پاسخ برای سؤال بالا، ارزیابی خروجی آن سیستم، یعنی ساختمانهای ساخته شده و در دست ساخت اینگونه کشورها و از جمله کشور خودمان باشد.

در آخرین آزمونی که داشتیم (زلزله آذربایجان) آسیب‌های وارده بر بیمارستانهای منطقه، ادارات و حتی مسکن مهر است، که در سخنرانیها به آن اشاره شده است و در یک جمله ما موفق به کسب نمره قبولی نشدیم!

از دیگر روی، واقعیت این است که پارادایم حاکم بر ساخت و ساز ما جدا از پارادایم حاکم بر مدیریت کشور نیست! آنچه مسلم است محصول خوب و در این جا ساختمان امن نتیجه طراحی و پیاده سازی یک فرایند صحیح است!

کشورهایی که موفق شده‌اند ساختمانهای امن و با استانداردهای بالای زندگی احداث کنند از ویژگیهای زیر برخوردارند:

۱- انسان در اینگونه جوامع دارای کرامت انسانی و ارزش والائی است، بنابراین دولت‌ها در مقابل

جان افراد پاسخگو هستند، از اینرو نمی‌توانند بگویند ۳۰۰ نفر کشته در زلزله رقم بالایی

نیست! و بگویند مثلاً در حوادث و سوانح جاده‌ای صد برابر این در یکسال تلفات می‌دهیم! لذا رقم قابل اغماض است!! (دفع فاسد به افسد کردن)

۲- هزینه فرصت و وقت انسانها در یک اقتصاد مبتنی بر تولید بسیار بالاست. لذا باید محل زندگی و کار انسانها امن باشد.

۳- در اینگونه جوامع نقادی و آزادی بیان وجود دارد، وسائل ارتباط جمعی از هر دو ارزش پاسداری می‌کنند و چنانچه حادثه‌ای رخ دهد از زوایای گوناگون آزادند واقعه را بدون ترس از عواقب آن مورد نقد و بررسی قرار داده و جامعه خود را اصلاح کنند.

۴- می‌توانند دولتی را انتخاب کنند که پاسخگو باشد. دولتی را انتخاب کنند که برای بالا بردن سطح زندگی و کیفیت زیست انسانها برنامه ارائه دهد و مردم حق سؤال کردن و پاسخ شنیدن داشته باشند.

چنانچه بطور مثال در این زلزله هزاران نفر هم جان می‌باختند و صدها ساختمان دولتی نیز ویران می‌شد آیا برای دولت و پاسخگویی او در مقابل مردم فرقی می‌کرد! مسلماً پاسخ آن منفی خواهد بود چون اساساً ساختاری پاسخگو در مقابل مردم تعریف نشده است!

بطور خلاصه جوامعی موفق به ارتقای سطح زندگی و نجات جان عزیز انسانها می‌شوند که به حقوق شهروندی (رعایت حقوق افراد و ارزش دادن به ذات انسانی) در آنها مورد توجه قرار می‌گیرد.

شهروند یعنی برخوردار از حقوق انسانی و شریک جامعه و به ویژه در تصمیم سازیها و تصمیم گیریها، که متأسفانه در جهان سوم کمتر به آن بها داده می‌شود.

اگر از مطالب پیش گفته بخواهیم جمع‌بندی داشته باشیم و پارادیم حاکم بر موضوع زلزله را جامع‌تر از نگاه مهندسی بدانیم، می‌توانیم پیشنهادهای زیر را با تلفیق دیدگاههای مهندسی کلان مطرح کنیم:

۱- توجه به حقوق شهروندی و در نتیجه تکریم جان همه انسانها

- ۲- فراهم کردن فضای نقد آزاد رویدادها و عملکردها از جمله در زمینه زلزله در مجامع و محافل علمی و مردمی و مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی
- ۳- پاسخگو بودن افراد حقیقی و حقوقی در برابر جان انسانها و ساختمانهای ویران شده در مقابل افکار عمومی و وارد شدن دادستان عمومی صرفاً از جنبه تخصصی موضوع
- ۴- واگذاری وظایف دولت در ساخت و ساز به بخش غیردولتی، سازمانها و انجمنهای تخصصی مردم نهاد
- ۵- ارتقای سطح دانش عمومی برای احداث و خرید ساختمانهای مقاوم و دارای شناسنامه
- ۶- فعال شدن بیمه‌های مهندسی و بیمه ساختمان بصورت علمی و فنی و نه صرفاً دستوری (ساختمانهایی بیمه شوند که مقاوم باشند و هزینه بیمه متناسب با کیفیت ساختمان متغیر باشد)
- ۷- جلوگیری از پرداخت وام به ساختمانهایی که مطابق آیین‌نامه‌ها ساخته نمی‌شوند.
- ۸- به روز نگهداشتن آیین‌نامه‌ها (آیین‌نامه بتن ده سال است که به روز نشده است) با محوریت بخش خصوصی و انجمن‌های علمی مردم نهاد